

چرا آدم‌های بدجنس موفق به نظر می‌رسند؟

چرا افراد بدجنس و ماکیاولیست در محیط کار پیشرفت می‌کنند؟ در این مطلب به این موضوع می‌پردازیم و می‌گوییم باید چگونه با آنها رفتار کنید.



چرا افراد بدجنس و ماکیاولیست در محیط کار پیشرفت می‌کنند؟ در این مطلب به این موضوع می‌پردازیم و می‌گوییم باید چگونه با آنها رفتار کنید.

پایگاه خبری تحلیلی انتخاب : نگاهی به رفتار ماکیاولیست‌ها؛ چرا آدم‌های بدجنس موفق به نظر می‌رسند؟ نگاهی به رفتار ماکیاولیست‌ها؛ چرا آدم‌های بدجنس موفق به نظر می‌رسند؟

دیجیاتو: چرا افراد بدجنس و ماکیاولیست در محیط کار پیشرفت می‌کنند؟ در این مطلب به این موضوع می‌پردازیم و می‌گوییم باید چگونه با آنها رفتار کنید.

کودکی ما با فیلم‌های دیزنی در آمیخته. این فیلم‌ها اما شخصیت‌هایی هم داشتند که داستان را پیچیده تر و در عین حال، سرگرم کننده تر می‌کردند. وقتی برای قهرمانان قصه مشکل ساز می‌شدند، آرزوی نابودی شان را می‌کردیم، اما حقیقت آن است که بدون وجود آن‌ها، داستان دیگر به آن شکل نمی‌شد.

شاید شما هم بارها با دیدن فیلم‌هایی مانند «گرگ وال استریت» یا سریال Succession، مجذوب شخصیت‌های قدرتمندی شده باشید که با بی‌رحمی و دسیسه به اهدافشان می‌رسند. فرهنگ عامه سال‌هاست که شخصیت‌های ماکیاولیستی را باهوش و کاریزماتیک جلوه می‌دهد، اما وقتی در دنیای واقعی با چنین افرادی روبه‌رو می‌شویم، ماجرا دیگر سرگرم کننده نیست. خونتان به جوش می‌آید وقتی می‌بینید همکاری که دائم زیرآب می‌زند یا رئیسی که جز منافع خودش چیزی نمی‌فهمد، پله‌های ترقی را یکی پس از دیگری طی می‌کند. علم روانشناسی پاسخ تلخی برای این پدیده دارد؛ بله، افراد بدجنس و ماکیاولیست اغلب پول بیشتری درمی‌آورند و سریع‌تر رشد می‌کنند، اما این سکه روی دیگری هم دارد که شاید از آن خبر نداشته باشید.

بهتر است با این سؤال شروع کنیم: آیا واقعاً افراد بدبین و بدجنس باهوش‌تر از بقیه هستند؟ خیر، تحقیقات نشان می‌دهد که این یک توهم بزرگ به نام «توهم نبوغ بدبینانه» است. اگرچه ما اغلب افراد شکاک و بدبین را افرادی عمیق و دانشمند تصور می‌کنیم که «دست‌روزار را خوانده‌اند»، اما مطالعه روی ۲۰۰ هزار نفر در ۳۰ کشور جهان نشان داده است که افراد بدبین در آزمون‌های توانایی شناختی و شایستگی تحصیلی، نمره کمتری نسبت به همتایان خوش‌بین و قابل اعتماد خود کسب می‌کنند.

درواقع، بسیاری از این افراد از بدبینی و فریب دیگران به عنوان مکانیسمی جبرانی استفاده می‌کنند تا کمبود هوش یا توانایی‌های واقعی خود را پنهان کنند. آنها یاد گرفته‌اند که بازی‌های روانی راه میانبر خوبی برای رسیدن به هدف است، حتی اگر شایستگی فنی لازم را نداشته باشند.

سؤاستفاده ماکیاولیست‌ها از اعتماد ذاتی دیگران

موفقیت این افراد مدیون یک ویژگی تکاملی در اکثر انسان‌هاست: «تمایل پیش‌فرض به اعتمادکردن». ماکیاولیست‌ها دقیقاً از همین ویژگی برای جلوافتادن استفاده می‌کنند. اکثر انسان‌ها به صورت پیش‌فرض صادق و همدل هستند و انتظار دارند دیگران هم همین‌طور باشند؛ این ویژگی باعث انسجام جامعه می‌شود.

اما یک فرد ماکیاولیست که به هیچ کس اعتماد ندارد، یاد می‌گیرد که چگونه اعتماد دیگران را جلب کند. آنها در تقلید رفتارهای قابل اعتماد استاد هستند و کاری می‌کنند که شما سفره دلتان را برایشان باز کنید. این افراد اطلاعات را از شما می‌گیرند، اما هرگز چیزی از خودشان بروز نمی‌دهند و درنهایت از همان اطلاعات علیه شما یا برای پیشبرد اهداف خودشان استفاده می‌کنند.

اگرچه این افراد در کوتاه مدت یا در محیط‌های کاری آشفته و بدون ساختار به سرعت رشد می‌کنند، اما موفقیتشان معمولاً شکننده است. آنها در مصاحبه‌های کاری عالی ظاهر می‌شوند و در مذاکرات و بازی‌های قدرت مهارت دارند، اما وقتی نوبت به مدیریت واقعی و بلندمدت می‌رسد، کم می‌آورند.

تحقیقات نشان می‌دهد که وقتی پرده‌ها کنار می‌رود و همکاران متوجه ماهیت واقعی آنها می‌شوند، حمایت اجتماعی را از

دست می دهند. آنها ممکن است نردبان ترقی را طی کنند، اما وقتی بالا می رسند، عده زیادی پایین نردبان منتظرند تا سقوطشان را تماشا کنند. علاوه براین، سبک مدیریت آنها براساس ترس و ابهام است که در بلندمدت عملکرد تیم را نابود می کند.

شاید از بیرون به نظر برسد که این افراد زندگی عالی و مرفهی دارند، اما تحقیقات نشان می دهد که آنها از درون در رنج هستند. بدبینی و بی اعتمادی مزمن باعث می شود که سطح استرس آنها همیشه بالا باشد، زیرا دائماً فکر می کنند دیگران هم مثل خودشان قصد ضربه زدن دارند.

این نگرش سمی باعث انزوای اجتماعی، درگیری های خانوادگی و حتی بیماری های جسمی می شود. محققان می گویند بدبینی می تواند نشانه ای برای بیماری های قلبی عروقی، زوال عقل و مرگ زودرس باشد. در واقع آنها شاید در بازی قدرت برنده شوند، اما در بازی زندگی و آرامش، بازنده های بزرگی هستند.

بهترین استراتژی برای مقابله با این افراد، نگاه کردن به رابطه به عنوان یک بازی شطرنج سرد و بی روح است، نه یک ارتباط انسانی. سعی نکنید با آنها وارد بازی فریب شوید، چون در زمین این افراد شکست خواهید خورد. در عوض، باید روی اتحاد با سایر همکاران تمرکز کنید.

ماکیاولیست ها در تاریکی و ابهام رشد می کنند؛ پس با شفاف سازی رفتار آنها و به اشتراک گذاشتن تجربیاتتان با دیگران (بدون غیبت کردن هیچانی) قدرت مانور آنها را کم کنید. همچنین بسیار مهم است که برای خودتان حد و مرز تعیین کنید و بدانید هزینه تحمل این شرایط چقدر است. اگر هزینه ای که برای سلامت روانتان می پردازید بیشتر از حقوقی است که می گیرید، وقت آن رسیده که آنجا را ترک کنید.